

طلاق اجتماعی خطرناک تر است

طبیعت زندگی بشر، اجتماعی است و اساسا تصور رشد و حیات انسان به صورت فردی و جدا از جمع دیگران ممکن نیست. لایه‌های گوناگون روابط اجتماعی از کوچک ترین سطح مانند همسر و فرزندان در خانواده هسته‌ای تا لایه‌های بعدی همچون خانواده گسترده و همین طور لایه‌های بعد با مجموعه‌ای از خصوصیات معنوی و فضایل اخلاقی، استحکام و سلامت می یابد و درواقع میزان قدرت و بزرگی هایی نظیر محبت، بقای این روابط را تضمین می کند.

مؤلفه هایی چون دلسوزی و محبت، ایثار و ازخودگذشتگی، همکاری و مشارکت، کار جمعی و پذیرش تلاش گروهی برای هدف مشترک باعث می شوند که اصل این رابطه اجتماعی معنا پیدا کند و انسان بتواند زندگی اجتماعی خود را -در هر سطحی- سامان بخشد. یکی از عناصر مهم برای ضمانت این روابط چه در سطح تعاملات خرد خانوادگی یا شغلی و چه در سطح روابط گسترده تر مانند تعاملات انسانی شهروندان، «اعتماد» است.

تصور کنید اگر زن و شوهر یا والدین و فرزندان به هم اعتماد نداشته باشند با این اعتماد متقابل به هر دلیل قدری آسیب ببینند، محیط کوچک خانواده چه وضعی پیدا خواهد کرد.

به عبارت دیگر، آنچه باعث می شود روحیه همکاری و همدلی بین اعضای یک خانواده حفظ شود و استحکام یابد، همین اعتماد متقابل است که هر چه آسیب و مشکل بیشتری پیدا کند، اصل رابطه اجتماعی خسارت بیشتری خواهد دید، تاجایی که ممکن است حتی رابطه به پایان برسد و با طلاق، اعضای خانواده از هم جدا شوند.

حالا باید پرسید که درمقابل طلاق فردی -به معنای جدا شدن زوجین از هم- چه اتفاقی با زوال اعتماد متقابل در محیط‌های بزرگ تر اجتماعی نظیر یک شهر یا یک کشور رخ خواهد داد.

به وضوح می توان حدس زد و درک کرد که طلاق اجتماعی به معنای جدایی شهروندان از یکدیگر یا جدایی یک بخش جامعه از حاکمیت، چه زبان ها و مصیبت هایی را به دنبال خواهد داشت.

چند روز قبل یک راننده تاکسی می گفت نمی شود از تاکسی متر استفاده کنم؛ چون خیلی از مردم به تاکسی متر اعتماد ندارند و «می گویند» دست کاری شده!

کاملا تصویرپذیر و قابل فهم است که وقتی شهروندان یک جامعه به یکدیگر اعتماد نداشته باشند، فضای روانی آن جامعه چگونه خواهد بود و چه مشکلات و بیماری های معنوی و روحی در چنین جامعه‌ای رواج خواهد داشت. حال خطرناک تر از این بی اعتمادی میان فردی در جامعه، آن است که «اعتماد اعضای یک جامعه به نهادها و سازمان های رسمی و حاکمیتی شان» آسیب ببیند.

به یاد دارم در ماه رمضان گذشته، کسی در خیابان از زمان شب قدر پرسید و در توجیه تردیدش اضافه کرد که: «می گویند» قرار است شب قدر را به خاطر چهاردهم خرداد، یک روز زودتر اعلام کنند!

من البته برای او توضیح دادم که چرا اصلا چنین چیزی ممکن نیست، اما بعد از آن به فکر فرورفتم که چرا باید اعتماد یکی از شهروندان این اندازه آسیب ببیند؟

آیا کسانی از بزرگان و صاحبان تصمیم و تدبیر در کشور، هم نفس این مردم هستند و «می گویند» «هایشان را می شنوند تا بدانند که دیوار شیشه‌ای اعتماد بسیاری از مردم، چه ترک‌های بزرگی برداشته است؟

چنین بدبینی و بی اعتمادی و سوء ظنی، به هر اندازه، اگر معالجه نشود و برای رفع آن تدبیری اندیشیده نشود، بسیار زود تر از آنکه تصور کنیم، جامعه را دچار فروپاشی و آسیب جدی خواهد ساخت.

در چنین جامعه‌ای مردم دیگر روحیه مشارکت و همراهی و همدلی نخواهند داشت و خود را بخشی از جامعه نمی داند و امیدشان به آینده را از دست می دهند و در نتیجه با به فکر مهاجرت و فرار می افتند یا اگر هم به ظاهر در محیط اجتماعی حضور داشته باشند، دلشان جای دیگر است و عوارضی از ابتدایی ترین سطوح مانند وندالیسم تا خود کشی، از ساده ترین پیامدهای این بی اعتمادی و احساس تعلق نداشتن و بیگانگی است. ●

بالاخره ثروتمندترین ایرانی کیست؟

نگاهی به فهرست پولدارترین افراد ایرانی



ایمان فراهانی‌نیا

به او لقب ثروتمندترین مرد ایران را داده بودند، برخی به او تاجر مشرع می گفتند و خیلی ها او را با لقب پولدارترین تاجر ایرانی می شناختند. اسدا...عسگراولادی یکی از چهره‌های مشهور تجارت ایران بود و به گفته خودش در صادرات زیره چنان اعتباری داشت که قیمت زیره در جهان بر اساس معاملات او مشخص می شد.عسگراولادی روز جمعه دار فانی را وداع گفت. درباره وجهه‌های مختلف زندگی و کار این چهره برجسته سیاسی اقتصادی صحبت‌های زیادی مطرح می شود و یکی از این صحبت‌های جذاب مربوط به میزان ثروت اوست. اگر هشتک عسگراولادی را در فضای مجازی جست‌وجو کنید، خواهید دید که بین کاربران فضای مجازی صحبت‌های زیادی درباره ثروت او وجود دارد؛ البته عسگراولادی هیچ وقت از صحبت درباره ثروت و حتی راه و روش کسب آن اکراهی نداشت ولی همیشه می گفت آن قدرها هم که دیگران می گویند، پولدار نیست. حالا خبر درگذشتش بهانه‌ای شده است تا نگاهی ببندازیم به داستان ثروتش و فهرست ثروتمندترین‌های ایران که نام اسدا... عسگراولادی هم درمیان آن ها دیده می شود.

هفتمین یا هفت‌هزارمین؟

برای سر درآوردن از میزان ثروت عسگراولادی هیچ منبعی بهتر از نقل ها و مصاحبه‌هایش نیست؛ چرا که او همیشه با شفافیت درباره درآمد و ثروتش صحبت کرده است. او در مصاحبه با یک روزنامه درباره ثروتش این‌طور گفته است: «بعضی‌ها می گویند من هفتمین فرد ثروتمند ایران هستم، حتی بعضی دیگر می گویند چهارمین ثروتمند ایرانی هستم اما من هفت‌هزارمین ثروتمند هم نیستم. من

سرمایه دار نیستم ولی سرمایه گذار هستم. پول دارم ولی نه به آن اندازه که می گویند. غنی هستم، ثروتمند نیستم. ولی محتاج به کسی هم نیستم. در تمام تهران یک انبار دارم، یک دفتر کار دارم و یک خانه؛ البته قیمتشان بالاست. خانه‌ام خیابان فرشته است. انبارم بزرگ‌ترین انبار تهران است. این‌ها را دارم اما نمی توانم بگویم این افسانه‌سازی‌ها(درباره ثروتم) درست است. هیچ وقت هم جلوی قاضی نایستاده‌ام. نه محاکمه شده‌ام نه کسی را پای میز محاکمه کشانده‌ام. اگر طلبکار بودم، یا گرفته‌ام یا بخشیده‌ام. به‌رحال من تکالت ثروت ندارم.»

عسگراولادی سال ۱۳۹۰ هم در گفت‌وگویی درباره میزان ثروتش گفته بود: «من از کم به زیاد رسیدم. مثالش خانه‌هایم است. اولین خانه‌ام را ۵۶۰۰تومان، دومی را ۳۳هزار تومان، سومی را از درخشش وزیر فرهنگ شاه معدوم، ۱۴۰هزار تومان، چهارمی را ۵۰۰هزار تومان و پنجمی را ۱۴۰میلیون تومان خریدم که الان در آن ساکن هستند. اکثر این خانه‌ها را هنوز دارم. آن‌ها را اجاره داده‌ام و هیچ‌یک را نفروخته‌ام. وجوه شرعی و... مالیات‌هایم را داده‌ام. هر گز با دارایی چانه نمی‌زنم. انصاف می‌کنم. مسجد و درمانگاه و مدرسه می‌سازم و خدا به من کمک کرده است. من هیچ مالی در خارج کشور ندارم. فقط دفاتری در هامبورگ، دبی و لندن دارم که دفاتر تجاری‌ام هستند. من افتخار می‌کنم که میلیاردر هستم. اولین خانه‌ام را ۵۶۰۰تومان خریدم و امروز بیش از ۱/۵میلیارد تومان می‌ارزد، پس میلیاردر شدن کاری ندارد. خانه‌ای که ۱۴۰هزار تومان خریدم، امروز یک میلیارد تومان می‌ارزد. خانه دیگرم در خیابان ولیعصر ۱۳۰۰متر چهارمین ثروتمند ایرانی هستم اما می‌ارزد. چرا بگویم گدا هستم؟»

فهرست ثروتمندترین‌های ایران

اگر در اینترنت عبارت «ثروتمندترین افراد ایران» را جست‌وجو کنید، با مقاله‌های متعددی روبه‌رو می شوید؛ مقاله‌هایی که در هر کدام اسم چند نفر به‌عنوان ثروتمندترین‌های ایران لحاظ شده است؛ مثلاً در یک مقاله که اتفاقا اسم اسدا...عسگراولادی در آن به‌عنوان هفتمین فرد ثروتمند ایران لحاظ شده است -و او در مصاحبه‌هایش هم به آن اشاره کرده است- اسامی دیگری مثل علاء میرمحمدصادقی(پدر گچ و سیمان کشور)، محسن خلیلی عراقی (مدیرعامل شرکت بزرگ بوتان، شاه‌رخ ظهیری(بنیان‌گذار کارخانه‌های مهرام و ملقب به سلطان سس)، مهدی جاربیانی (مدیرعامل شرکت‌هایی مثل تولی‌پرس، پاکسان و...) و نام بسیاری از دیگر صنعتگران و تاجران حوزه‌هایی مثل ریسندگی و بافندگی، حمل‌ونقل بین‌المللی، سرب و روی، آهن، پتروشیمی و امثال این‌ها دیده می‌شود. صنعتگران و کارآفرینانی که به‌دلیل بزرگی تجارت و صنعتشان قطعاً باید ثروت زیادی داشته باشند ولی هیچ‌وقت ادعایی مبنی بر اینکه ثروتمندترین افراد ایران هستند، نداشته‌اند و در فهرست‌هایی که رسانه‌ها به‌عنوان ثروتمندترین افراد ایران منتشر می‌کنند، جایگاه‌های متفاوتی دارند.

بالاخره ثروتمندترین ایرانی‌ها کدامند؟

چرا هیچ‌کدام از این افراد، مثل اسدا... عسگراولادی ادعائی‌کنند که پولدارترین فرد ایران هستند؟ جواب این سوال دو بخش دارد؛ بخش اول اینکه ثروت در ایران همیشه براساس تولید، صنعت، تجارت و امثال این‌ها به‌وجود نمی‌آید، متأسفانه بخشی از ثروت در کشور از طریق رانت توزیع می‌شود و اسم‌ورسم صاحبان آن را کسی نمی‌داند،

مگر وقتی‌که پرونده‌های فسادشان بر ملا می‌شود. «ب.ز» ها «ح.ه»ها و... که در چند سال اخیر هم بیشتر از قبل شاهد پیدایش‌شان بوده‌ایم، شاهد مثال این ادعا هستند. دلیل دوم اینکه چرا فهرست مشخصی از پولدارترین افراد ایران وجود ندارد، ضعف سازمان‌های مالیاتی و ثبت اسنادهاست.اولا آمارهای مربوط به دارایی افراد همیشه کامل و به‌روز نیست. ثانيا این آمارها شفاف نیست و در معرض دید عموم قرار نمی‌گیرد.

این در حالی است که شما با یک جست‌وجوی ساده می‌توانید بفهمید که ثروتمندترین افراد دنیا چه کسانی هستند و در سال گذشته چقدر درآمد داشته‌اند و دارایی‌هایشان چه مقدار است؛ مثلاً همین الان جف بزوس (صاحب سایت آمازون) با دارایی خالص ۱۱۲میلیارد دلار، ثروتمندترین فرد دنیااست و بیل گیتس (صاحب مایکروسافت)، وارن بافت(صاحب هولدینگ برکشایر هاتاوی) و خانواده برنارد آرنولتو(صاحب چند شرکت کالای لوکس)، به‌ترتیب با دارایی خالص ۹۰میلیارد دلار، ۸۴میلیارد دلار و ۷۲میلیارد دلار افرادی هستند. پولدارترین‌های دنیا هستند. شفافیت مالی در اکثر کشور‌های پیشرفته دنیا و برای تمام افراد جامعه، به یک موضوع بنیادی تبدیل شده است. بر اساس همین شفافیت به‌راحتی می‌توان فهمید که «پیرمراد امیدیار»، صاحب ایرانی‌الصل سایت ebay، با ثروت خالص ۱۰میلیارد دلار، ثروتمندترین ایرانی خارج کشور به‌حساب می‌آید ولی به‌دست آوردن چنین آمارهایی در داخل کشور، کار بسیار دشوار و شاید غیرممکنی برای رسانه‌هاست و همین موضوع اعتبار تمام فهرست‌هایی را که از ثروتمندترین ایرانی‌ها منتشر می‌شود، زیر سوال می‌برد. ●

حاضر جواب

■ واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور؛ فضای مجازی، عامل رفتن به‌سمت اعتیاد است.

یک معتاد: آخرش نفهمیدیم اعتیاد باعث رفتن به شمت فزاست یا فزا باعث رفتن به شمت اعتیاد؟

■ جدیدترین شرایط ثبت‌نام ازسوی شرکت سایپا اعلام شد.

سایپا: پولاتونو بدین براتون بکاریم، درخت پول سبز بشه. ضمنا این قدر همو هل ندید، پول همه‌تونومی‌گیریم!

■ مدیرکل دانشجویی وزارت بهداشت: ۲۴درصد دانشجویان پزشکی نیازمند مداخلات روان‌شناسی هستند.

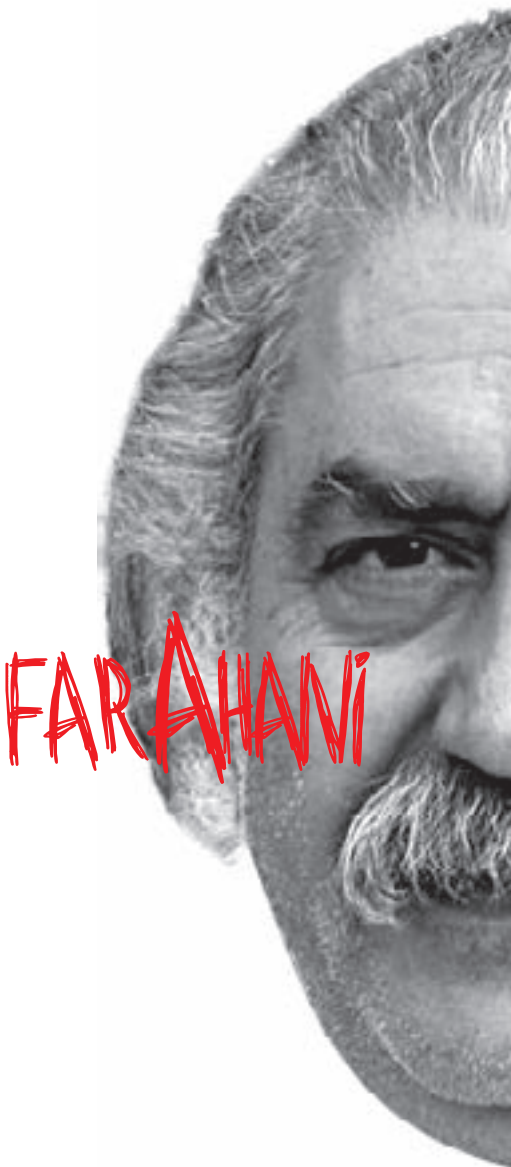
یک دانشجوی پزشکی: هرشب کابوس می‌بینم یک مطب زدم و داخل مطیم، یک دستگاه کارتخوان نصب شده!

■ وزیر علوم: ۲ تا ۳درصد دانشجویان درگیر اعتیاد هستند.

دانشگاه آزاد: پس ما شهریه‌ها رو زیاد می‌کنیم تا پول خرید جنس، براشون نمونه!

کله ونگ

مُشتبَا نخعی‌راد



بهبازد مخه فیلم بسازه!

فک کردن از وقتی شغفتم دداش گلم «بهبازد فراهانی» مخه فیلم بسازه و مگه: «تا وقتی پروانه‌اش ره بگر فتم، اسمش ره نمگم». دزم از فوضولی مترکم و مخ مخام مره که وز گرگرم اینجه کله ونگش بزم؟ نه دداش، بر مو فتی ندره، خیلی ام خوب کاری دره مکنه. مو که بخیل نیستم، جلالش بشه. یگ چیزی ام قایمکی بدتا بگم که خودم هم دزم به یگ فیلم ترسناکی فک مکنم که در دزم بسازم و یگ اسکاری، نخل طلایی خرس قهوهی و دگه هر چی میدان ره بیگیرم. بر عکس تا پروانه‌اش ره بگر فتم، بدتا اسمشه مگم: «کی شله مو ره خورد؟» ولی بعدش که پروانه گرفتم، دگه جواب سلامتاره هم نمذم، چی برسه بخوام اسمشه بگم. آخر شم وامدزم که معلوم نره کی شله ره خورد. جان مُشتبَا ایقذه مفروشه که گیشه متر که!

بعدشم از بهزاد فراهانی مَرسِن: «دداش بر چی بعد ۴۰سال، یگ دِفگی مخی فیلم بسازی؟» فراهانی هم ورمگرده و مگه: «مو همیشه مخواستم فیلم بسازم، ولی نمشد. دوست دزم حرفقم ره تو فیلمی که خودم نویسم و مسازم، بزم». طلایی دداش، ولی ایچور بشه که هر کی مخه حرف بزنه، و زرده یگ فیلم بسازه که نمشه. به‌ای که چقد خرچش مره. کار بندزم، فقط به مو بکن کی مخه ایقذه فیلم ره ببینه؟ از بچگی بایس بیشینم فیلم ببیینم تا وقتی بمیرم، وارم لاکردار تموم نمشا!

دیدم چن و قتم شده نمی بینمات و سایه تا سنگین رفته، شغفتم گفتن: «ایقذه فیلم نامه‌هایی که بدم پیشنهاد مره، قزمت هستگ که بیکار بچرم یا بیشینم خنه، بهتر.» مو نمدنم برچی همه دزن ایچور مگن، ولی وقتی پیچ تلویزیون ره وامکنم، همه‌شا اونجه تو همی سیریرال‌ها و فیلم‌های قزمتی که مگن، بازی مکنن. فک کنم بنا رفتنن اونجه یگ سروکوش آب بدن، بیمنن کیا دزن تو ایچور فیلمای بازی مکنن. دگه ایچور شده که برنامه‌های تلویزیون مایم اوجور رفته! ●

با هم بشنوبیم،
 ارث ابداری
 کی خورده؟
 رضایزدانی
 ترانه اش از
 کیه؟
 میباز بازداره
 آهنگ سازش
 کیه؟
 فودر رضایزدانی
 سن و سالش
 پشه؟
 راک طور،
 عرق ملی،
 تیتراژ سریال

